

Analyzing Corporate Social Responsibility In the light of the Concept of Human Rights Due Diligence

(Type of Paper: Research Article)

Hamed Malekipour*, Pouria Askari†, Faride Shaygan‡

Abstract

In the area of principles and execution, the two categories of due diligence and corporate social responsibility, have the capacity to interact and interchange objectively and practically. Both categories, taking into account their *raison d'être*, nature, characteristics, as well as, pragmatism, require the establishment of a mechanism of accountability ensuring fair treatment the field of multinational corporations' management. The present article describes and analyzes the relationships between responsibility and due diligence on the basis of international instruments, particularly, UN Guiding principles, and considering their interactions, propose a new definition for risk management which is based on due diligence. It also deals with how to reduce social risks and promote respect for human rights in the framework of multinationals activities. Adopting an interdisciplinary approach, the interconnection between the two categories, as a model for fair social cooperation, drawing on international human rights law, as well as, economic and sociological concepts, provides new corporate accountability mechanisms. Through the precautionary principle as a confluence point, it shows that realization of due diligence-based responsibility is necessary to manage companies' brands, while reducing harms to human rights of stakeholders.

Keywords

Precautionary Principle, Stakeholder-based Approach, Social Responsibility of Multinational Corporations, Risk Management, Human Rights-based Due Diligence.

-
1. Ph.D. Student in International Law, University of Tehran Kish International Campus, Kish, Iran (Corresponding Author). Email: hamedmalekipour@yahoo.com
 2. Assistant Professor, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. Email: p.askari@atu.ac.ir
 3. Assistant Professor, Department of Law, Kish International Campus, University of Tehran, Kish, Iran. Email: farideh.shaygan@ut.ac.ir

Received: September 1, 2019 - Accepted: February 17, 2020



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

تحلیل مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در پرتو مفهوم مراقبت مقتضی مبتنی بر حقوق بشر (نوع مقاله: علمی - پژوهشی)

حامد ملکی پور^{۱*}، پوریا عسکری^۲، فریده شایگان^۳

چکیده

در مبادی اصولی و حوزه اجرایی ارتباط حقوق بشر و تجارت، دو مقوله مراقبت مقتضی و مسئولیت اجتماعی شرکت‌های تجاری از ظرفیت تعامل و تبادلات عینی و عملی با یکدیگر برخوردارند. هر دو مقوله با در نظر گرفتن مبانی نظری به منظور توجیه چپستی و چرایی و همچنین از جهات سرشت، ویژگی‌ها و عمل‌گرایی، ایجاد سازوکار پاسخگویی و رفتاری منصفانه در مدیریت شرکت‌های چندملیتی را ایجاب می‌کنند. این نوشتار با بهره‌گیری از اسناد بین‌المللی به‌ویژه اصول راهنمای ملل متحد، به تبیین و توصیف مناسبات مسئولیت و مراقبت می‌پردازد و از رهگذر این کنش و واکنش متقابل، تعریفی جدید از مدیریت ریسک بر مبنای مراقبت مقتضی ارائه داده و راهکارهای کاهش ریسک اجتماعی و ترویج احترام به حقوق بشر در چارچوب فعالیت شرکت‌های تجاری را مورد بحث قرار می‌دهد. با اتخاذ رویکردی میان‌رشته‌ای، پارادایم مناسبات این دو مقوله به‌عنوان یک الگوی همکاری اجتماعی منصفانه، از بن‌مایه‌های حقوق بین‌الملل بشر و مفاهیم اقتصادی و جامعه‌شناسی کمک می‌گیرد تا سازوکارهای نوین پاسخگویی شرکتی را به‌گونه‌ای ذی‌نفع محور ارائه کند و از طریق اصل احتیاط به‌عنوان نقطه تلاقی، اثبات می‌شود که تحقق مسئولیت مبتنی بر مراقبت مقتضی لازمه مدیریت برند شرکت‌ها و در عین حال کاهش آسیب‌های حقوق بشری به ذی‌نفعان است.

کلیدواژگان

اصل احتیاط، رویکرد ذی‌نفع محور، مسئولیت اجتماعی شرکت‌های چندملیتی، مدیریت ریسک، مراقبت مقتضی مبتنی بر حقوق بشر.

۱. دانشجوی دوره دکتری حقوق بین‌الملل، پردیس بین‌الملل کیش دانشگاه تهران، کیش، ایران (نویسنده مسئول)
Email: hamedmalekipour@yahoo.com
۲. استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.
Email: p.askari@atu.ac.ir
۳. استادیار پردیس بین‌المللی کیش دانشگاه تهران، کیش، ایران.
Email: farideh.shaygan@ut.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۱۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۸

مقدمه

شرکت‌های چندملیتی به‌عنوان بازیگرانی قدرتمند و مؤثر در جامعه بین‌المللی، تأثیرگذاری عمیقی بر استیفای حقوق بشر ذی‌نفعان داشته‌اند. جهانی شدن اقتصاد و خصوصیات ذاتی بازار آزاد، با محوریت شرکت‌ها، نظام همکاری منصفانه اجتماعی را دچار مخاطره کرده است که از نتایج واضح آن می‌توان به رشد فقر و نابرابری اشاره کرد. بی‌شک رفتار این کنشگران جدید و نقش آنها در ایجاد ریسک‌های اجتماعی و حقوق بشری را باید مدیریت کرد. مدیریت ریسک اقدامات و عملیات تجاری شرکت‌ها، ملازمه منطقی با مسئول دانستن آنها به‌دلیل نقش اجتماعی تجارت در جامعه دارد.

از این رو با وجود تلاش‌های فراوان برای ایجاد سازوکارهای داخلی و بین‌المللی به‌منظور تنظیم رفتار شرکت‌ها و تحدید تأثیر آنها، همچنان تبیین و به رسمیت‌شناسی رژیم مسئولیت اجتماعی شرکت‌های تجاری در حوزه حقوق بین‌الملل، امری ضروری و مؤثر در توسعه و بهبود کارکردهای نظم بین‌المللی دموکراتیک و منصفانه به‌شمار می‌آید. مسئولیت اجتماعی، مطلوبیت و خواسته‌های ذی‌نفعان را در فرایند تصمیم‌سازی‌ها و عملیات سودآوری شرکت‌ها ادغام می‌کند. به‌عبارت دیگر، مسئولیت اجتماعی، در پی ایجاد توازن میان به حداکثر رساندن سود شرکت‌ها و حقوق ذی‌نفعان است. اما عملاً به‌دلیل جنبه ارادی و داوطلبانه مسئولیت اجتماعی و همچنین عدم شناسایی شخصیت حقوقی بین‌المللی برای شرکت‌ها، آنها همچنان به لحاظ حقوقی متعهد و مسئول شناخته نمی‌شوند. بنابراین باید هنجارهایی حداقلی برای ارزیابی رفتار شرکت‌ها در خصوص کارآمدی تحقق مسئولیت اجتماعی آنها در قالب قابلیت‌های حقوق بین‌الملل تعریف شود. در واقع مسئولیت اجتماعی به مبنا و مکمل حقوقی نیاز دارد تا بتواند کارآمد و مفید باشد.

۱. Stakeholders: در مورد مفهوم کلیدی ذی‌نفعان در مبحث گونه‌شناسی در همین مقاله بحث شده است.
۲. در مورد اثبات قدرت نفوذ شرکت‌های تجاری چندملیتی اشاره به این نکته کافی است که بسیاری از این شرکت‌ها گردش مالی سالانه بیشتری نسبت به مجموع تولید ناخالص ملی چندین کشور در حال توسعه دارند (Bantekas, 2004: 309).
3. Social and Human Rights Risks
۴. Risk Management: شناسایی، ارزیابی و اولویت‌بندی خطرهای در پی کاربرد اقتصادی و هماهنگ منابع برای به حداقل‌رسانی نظارت و کنترل احتمال یا تأثیر حوادث نامطلوب (Hubbard, 2009: 46).
5. Corporate Social Responsibility (CSR)
۶. عنوان نظم بین‌المللی دموکراتیک و منصفانه از اولین گزارش آلفرد زایاس، کارشناس مستقل شورای حقوق بشر برداشت شده است: UN Doc ,Promotion of A Democratic and Equitable International Order :A/HRC/Res/18/6/2011
۷. Utility: مطلوبیت عبارت است از رضایت مصرف‌کننده که از مصرف کالا و خدمات (در واقع هر آنچه نیازها و خواسته‌های انسان را ارضا می‌کند) حاصل می‌شود (فرجی، ۱۳۸۷: ۷۹). مطلوبیت فردی و اجتماعی می‌تواند ارزش تابع مطلوبیت و تابع رفاه اجتماعی تفسیر شود. در بحث حاضر مطلوبیت، بهره‌مندی ذی‌نفعان از حقوق بشر است.

پروفسور جان روگی^۱ با طراحی اصول راهنمای ملل متحد در مورد حقوق بشر و تجارت،^۲ با اتخاذ راهبرد مراقبت مقتضی مبتنی بر حقوق بشر، رویکرد ایجاد مسئولیت حقوقی برای شرکت‌ها را به‌عنوان تابعان غیر دولت، تقویت کرد.

روگی با ابتکار عملی بی‌سابقه بین الزامات و مفاهیم حقوقی منتج از موازین حقوق بشر و مفهوم اجتماعی مسئولیت، پیوند برقرار کرد و از ظرفیت بالقوه شرکت‌ها برای حل مسائل جدی حقوق بشری بهره گرفت. این رویکرد اختصاصی در مورد شرکت‌ها، بیانگر این است که اصولاً و نوعاً تعهدات و مسئولیت‌های شرکت‌ها متفاوت از دولت‌هاست (عسکری، ۱۳۹۱: ۳۰۲).

اساساً، ترتیبات و آیین‌ها و اصول پیشگیرانه مراقبت مقتضی، قابلیت تبدیل شدن به مبانی کارکردی و اجرایی مسئولیت اجتماعی را دارند. در این نوشتار، تعاملات و تبادلات نظری و عملی مراقبت مقتضی مبتنی بر حقوق بشر و مسئولیت اجتماعی شرکت‌های تجاری به‌عنوان نقطه تلاقی حقوق بشر و تجارت، مورد بحث قرار می‌گیرد. مراقبت مقتضی با الهام از قواعد و اصول کلی حاکم بر حقوق بین‌الملل، ضابطه‌ای رفتاری برای سنجش رفتار شرکت‌ها محسوب می‌شود. در این پژوهش ضمن توضیح هم‌افزایی مسئولیت اجتماعی و مراقبت مقتضی، مشخص می‌شود که مسئولیت اجتماعی با استفاده از ظرفیت مراقبت مقتضی در حقوق بین‌الملل بشر و ایجاد مناسبات و ارتباطات دوسویه با این اصل کلی، به‌تدریج می‌تواند در شکل‌دهی قواعد عرفی حقوق بین‌الملل شرکت‌ها مؤثر باشد. بنابراین ضروری است ضمن بررسی مبانی نظری و توجیه چرایی کنش‌های متقابل دو مقوله مسئولیت و مراقبت، جنبه‌های عینی و کاربردی این تعامل و نقاط اشتراک آن بررسی و تشریح شود.

تحلیل مفهومی و شناختی موضوع

هرگونه تحلیل و مدلسازی در خصوص موضوع این نوشتار بدون پشتوانه مفهومی و طراحی چارچوب‌های نظری در منظومه اقتصاد سیاسی بین‌المللی به همراه رویکردی میان‌رشته‌ای، محتوایی درخور و کارکردی نخواهد یافت. لذا توجیه روندهای متمیمی و هم‌افزایی مراقبت مقتضی و مسئولیت اجتماعی ضرورتاً با نگاهی به مبانی فلسفی و تئوریک میسر خواهد بود.

۱. مبانی نظری مناسبات مراقبت مقتضی و مسئولیت اجتماعی

نخستین مبنا و پیش‌نیاز در خصوص چرایی مسئولیت اجتماعی شرکت‌های چندملیتی، موضوع

۱. John Gerard Ruggie: نماینده ویژه دبیر کل سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر و تجارت.
2. Guiding Principles on Business and Human Rights: Implementing The United Nations, Protect, Respect, and Remedy Framework, UN Doc. /A/HRC/17/31/2011.
3. Human Rights Due Diligence (HRDD)

عدالت و الزامات و اختصاصات مربوط به آن است. قاعدتاً این نوع مسئولیت به این دلیل باید ثابت و توجیه شود که به طور ذاتی و طبیعی، لازمه رفتاری عادلانه و البته منصفانه است. نقش نظریه عدالت در این حوزه، توضیحی، انتقادی و تفسیری است (Suttle, 2011: 6-7).

نظریه عدالت می‌تواند و قابلیت آن را دارد که برای ذی‌نفعان تشریح کند که قواعد و آیین رژیم‌های تجاری شرکت‌ها تا چه حد چالش توجیه و موازنه بین کارایی اقتصادی^۱ از یک سو و مسائل محیط زیست، حقوق بشر و نگرانی‌های مرتبط به توسعه پایدار را در نظر گرفته و حل کرده‌اند. تعارض منافع و آرای متضاد و نامتوازن بین سهامداران و ذی‌نفعان با اتخاذ پیشنهاد الگوواره‌ای منتج به رفتاری واجد اوصاف عدالت و انصاف، قابل حل خواهد بود. شرکت‌ها در اقتصاد سیاسی امروز، عاملیت اصلی را در توزیع کالاها و به‌طور اخص کالاهای عمومی آبر عهده دارند. دقیقاً به همین دلیل، عدالت توزیعی^۳ را جزئی دقیق و درست از مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و اصل توسعه پایدار می‌دانند.

اصول عدالت، در واقع اصولی‌اند که شخص عقلانی علاقه‌مند به پیشبرد منافع خود، اگر در موقعیت نخستین^۲ و برابر به‌سر می‌برد، آنها را برای تعیین ضوابط اساسی همکاری خود می‌پذیرفت (رالز، ۱۳۹۶: ۱۴۷-۱۴۶). این اصول، همان الگوهای عدالت اجتماعی‌اند که شیوه‌ای برای تخصیص حقوق و تکالیف در نهادهای بنیادین جامعه به دست می‌دهند و توزیع مناسب منافع و مسئولیت‌های همکاری اجتماعی را مشخص می‌کنند (لاوت، ۱۳۹۶: ۳۹).

نکته اصلی اینجاست که با توجه به راهبرد حجاب جهل^۴ از اصول رالز، شرکت به‌عنوان تصمیم‌ساز، باید راهکار ریسک‌پذیری یا ریسک‌پرهیزی مؤثری را در قالب مراقبت مقتضی اتخاذ کند، زیرا مدیران نمی‌دانند پیامدها و پیشایندهای عملیات توزیعی آنها چگونه خواهد بود. از این‌رو ویژگی مسئولیت اجتماعی، براساس خصیصه احتیاطی ذات این‌گونه مسئولیت، شرکت را مجاب می‌کند در شرایطی در پرتو عدالت و انصاف به‌طور واقع‌بینانه‌ای ضوابط همکاری اجتماعی را رعایت کند و در واقع مسئولیت اجتماعی را برون‌داد مذاکره افرادی عاقل و منطقی تحت منصفانه‌ترین شرایط (لاوت، ۱۳۹۶: ۱۲۲) حاصل از انگیزه کاهش ریسک اجتماعی و حقوق بشری خود بداند. اقتصاد سیاسی بین‌المللی مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها را ضرورت و شاخص وجودی عدالت

1. Economic Efficiency

۲. Public Goods: اصطلاحی در تحلیل اقتصادی برای اشاره به کالاهایی که مصرف یک شخص، سهم دیگران از آن را نمی‌کاهد و حذف دیگران از برخورداری از آنها، پرهزینه یا غیرممکن خواهد بود (بیکس، ۱۳۹۵: ۲۹۰).

3. Distributive Justice

۴. Original Position: وضعیت آغازین همان وضعیت حاکم ابتدایی مناسبی است که تضمین می‌کند توافق‌های بنیادین حاصل‌شده در آن، منصفانه است (رالز، ۱۳۹۶: ۵۶).

۵. Veil of Ignorance: به شیوه‌ای اشاره می‌کند که همه مذاکره‌کنندگان فرضی رالز از جایگاه خود در جامعه، توانایی‌ها، آسیب‌پذیری‌ها و تعبیر خویش از خیر بی‌خبرند (بیکس، ۱۳۹۵: ۱۲۳).

با عاملیت شرکت‌ها می‌داند و در عین حال، عدالت توزیعی را موضوع اصلی روابط بین‌المللی به دلیل عامل واقعی فقر و عامل ارمانی مطلوبیت باز توزیع قرار می‌دهد. در نتیجه مسئولیت اجتماعی از طریق اقتصاد سیاسی به عدالت توزیعی متصل می‌شود. مفاد ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، حکایت از آن دارد که وجود استاندارد حداقلی زندگی محدودیتی بر نحوه توزیع منابع جهانی به‌شمار می‌آید (A/Res/3/ 217/A, 1948:Art. 25). به بیان دیگر، عدالت توزیعی ایجاب می‌کند که در توزیع منصفانه و عادلانه کالای عمومی توسط بازیگران غیردولتی مؤثری چون شرکت‌های چندملیتی، ساختار ذی‌نفع‌محور جامعه بین‌المللی آنها را مسئول بشناسد و عدم پایبندی آنها به تخصیص کالاهای به‌زی‌نفعان را سبب انتساب مسئولیت و پاسخگویی او در نهایت مکلف به جبران خسارت بداند.

دسترسی به کالاهای عمومی جهانی شامل ثبات مالی، شبکه‌ها، مقررات و بازارهای مالی، حقوق بشر و محیط زیست یا صلح و امنیت را که در واقع ضرورت‌های عینی برای تأمین حق حیات ذی‌نفعان هستند، نمی‌توان برای سهامداران شرکت‌ها افزونی بخشید، درحالی‌که منافع ذی‌نفعان در اجرای اهلیت استیفایشان در انتفاع از این کالاهای کاهش می‌یابد. ضمن آنکه اصولاً تحقق حق بر توسعه به‌عنوان یکی از تعهدات اصلی شرکت‌ها از حیث مفهوم ریشه در تحقق اصول انصاف و عدالت اجتماعی دارد (شایگان، ۱۳۸۸: ۲۵-۲۴).

در واقع عدالت توزیعی اقتضا دارد که براساس نظریه کارایی پارتو و با به‌کارگیری رفتاری منصفانه مبتنی بر اتخاذ تدابیر احتیاطی مراقبت مقتضی، تخصیص منابع در اثر تغییر وضع موجود، به‌گونه‌ای پیش برود که هیچ ذی‌نفعی در موقعیت بدتری نسبت به موقعیت قبل قرار نگیرد، حتی اگر وضعیت سهامداران بهبود یابد. بی‌شک شرکت‌های چندملیتی مطابق اصل فایده‌گرایی و از نگاهی واقع‌بینانه در پی تغییر وضعیت خود هستند، ولی عدالت ایجاب می‌کند که فاصله هدف حداکثرسازی سود شرکت‌ها با مطلوبیت ذی‌نفع به حداقل برسد. آنچه این تعارض حقوق و منافع را می‌تواند مدیریت کند، تحقق و اقدام برای مسئولیت اجتماعی است که به‌عنوان رفتاری عادلانه ترجیحات ذی‌نفعان را طبق اصول رفتاری پیمان جهانی در قالب مراقبت مقتضی تعریف می‌کند. مبنای مهم دیگر برای توجیه عقلانی مسئولیت اجتماعی و مناسبات آن با مراقبت مقتضی حقوق بشر محور به‌عنوان ضرورتی تجاری در روند فعالیت‌های شرکت‌های چندملیتی، توصیف

1. Accountability

۲. Pareto Efficiency: یک وضعیت پارتو بهینه است اگر هیچ تغییر یا معامله‌ای نباشد که نسبت به آن پارتو برتر باشد (بیکس، ۱۳۹۵: ۲۸۶). مبدع این نظریه اقتصاددان و جامعه‌شناس ایتالیایی، ویلفرد پارتو (۱۸۴۸-۱۹۲۳) است.

3. Utilitarianism

۴. پیمان جهانی ملل متحد مهم‌ترین سند بین‌المللی در زمینه مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به‌شمار می‌آید که در ۱۰ اصل ذیل عناوین حقوق بشر، کار، محیط زیست و مبارزه با فساد در سال ۲۰۰۰ تنظیم شد. ر.ک:

UN Global Compact, 26 July 2000, available at: <https://www.unglobalcompact.org/what-is-gc/mission-principles> (last visited: 30/July/2019)

این مقوله در قالب نظریه بازی‌ها است؛ بدین معنا که بازی شرکت - ذی‌نفعان به‌گونه‌ای طراحی شود که هر دو طرف در نقطه‌ای قرار بگیرند که بهترین انتخاب آنها به‌عنوان بازیگران باشد. تلاقی مراقبت مقتضی و مسئولیت اجتماعی، نقطه‌ای را به دست می‌دهد که نقطه تعادل نش^۲ نامیده می‌شود. مسئولیت اجتماعی یک نقطه تعادل است، زیرا هیچ بازیگری با فرض ثابت بودن بازی، تمایلی به تغییر راهبرد خود ندارد (Osborne & Rubintein, 1994: 14). این نقطه وضعیتی است که شرکت و ذی‌نفع، هیچ‌کدام نمی‌توانند موقعیت خود را جز با تحقق و تحمل مسئولیت بهبود بخشند. ذی‌نفع نیز به‌عنوان موضوع تحت تأثیر تصمیمات و عملکرد شرکت، می‌تواند با عدم تغییر راهبرد خود، به مدیریت برند و ارزش سهام شرکت کمک کند.

در واقع با نقطه تعادل نش توضیح داده می‌شود که چگونه در جامعه بین‌المللی مسئولیت اجتماعی می‌تواند بهترین انتخاب عقلانی به حساب آید.

اگر حداکثرسازی منافع سهامداران با حداکثرسازی ارزش و حقوق ذی‌نفعان تعارض پیدا کند، مسئولیت اجتماعی و تعامل آن با مراقبت مقتضی می‌تواند در قالب حقوق بین‌الملل بشر به‌عنوان یک هنجار پایدار درون‌زا، حکمرانی شرکتی را قاعده‌مند کند و این تعارض را دارای توازن منصفانه سازد. باید توجه شود که اگر قرار باشد که نتیجه، یک پیمان اجتماعی باثبات باشد، باید در نقطه تعادل قرار گیرد و اگر چنین نباشد، افراد بازیگر از آن پیمان منحرف خواهند شد (کولل و همکاران، ۱۳۸۷: ۸۷).

ویژگی تعادل نش درباره مسئولیت اجتماعی است که براساس راهبردهای سایر بازیگران (سایر شرکت‌های چندملیتی و ذی‌نفعان)، هیچ بازیگری نمی‌تواند با انتخاب یکجانبه راهبرد نقض مسئولیت، به نتیجه بهتری برسد. به نظر می‌رسد عاقلانه‌ترین رفتار برای شرکت چندملیتی، رفتاری معقولانه و با رعایت اصل احتیاط و وابسته به حقوق ذی‌نفعان است.

مبنای توجیهی نظریه بازی، واقع‌گراست، زیرا جنس و سنخ اصل تعارض منافع را در نظر می‌گیرد. براساس این مبنای نظری، توضیح داده می‌شود که در جامعه بین‌المللی به‌عنوان یک کل واحد، منفعت، ویژگی‌ای است که حداکثرسازی آن، به معنای بیشترین رفاه و مطلوبیت برای بیشترین افراد باشد. نگاه راهبردی منفعت‌محور در بازی مسئولیت اجتماعی، ذی‌نفع و شرکت را در موقعیتی قرار می‌دهد که به‌نوعی رفتار و مطلوبیت ذی‌نفع در تعامل دوسویه با سود شرکت، وابستگی و درهم‌تنیدگی پیدا کند. اجرای طرح مسئولیت اجتماعی در فرایند مدیریت ریسک شرکت‌ها، اقدامی است که بر انتخاب عقلانی ذی‌نفع تأثیرگذار است و این دستیابی به همان نقطه تعادل است.

1. Game Theory

۲. Nash Equilibrium: توازن نش نمایانگر نقطه ثبات یا حد تعادل در یک بازی ناهمکارانه است (بیکس، ۱۳۹۵: ۱۴۸).

3. Brand Management

4. Share Value

5. Corporate Governance

قاعدتاً رعایت مراقبت مقتضی عامل محدودکننده‌ای بر رفتار شرکتی به حساب می‌آید و این امری منطقی است، زیرا منافع بلندمدت ذی‌نفعان و سهامداران در این است که به لحاظ اصل همکاری در جامعه بین‌المللی و پذیرش مسئولیت اجتماعی، تا حدی خود را مقید و محدود کنند که در چارچوب اشتراک منافع، عملیات تجاری در درازمدت به رشد بهینه رفاه اجتماعی بینجامد، زیرا در این صورت برند شرکت نیز بهتر حفظ خواهد شد. در این بازی، اگر شرکت چندملیتی تصمیم به تغییر راهبرد خود در اتخاذ اقدامات و تدابیر مراقبت مقتضی بگیرد، در واقع بر مبنای کسب بهترین منافع، بازیگر دیگر نیز از نقطه تعادل عبور خواهد کرد. امروزه ذی‌نفعان به دنبال آن‌اند که با رصد وضعیت اقدامات احتیاطی شرکت، ماهیت و سنخیت واقعی و زیرساخت اصلی مسئولیت اجتماعی، شرکت صاحب برند را به‌درستی ارزیابی کنند. درجه و میزان احترام شرکت به تعهد منفی عدم ضرر و تضمین بهبود بهره‌مندی از حقوق بشر بر مبنای اصول راهنما، رویه عملی شرکت در بازی مسئولیت را محک می‌زند.

۲. گونه‌شناسی مسئولیت اجتماعی و مراقبت مقتضی

به‌واسطه حضور فرایند جهانی شدن در حوزه حقوق و عملکرد شرکت‌ها، به‌وجود آمدن شرکت‌های چندملیتی و توسعه توجه به اشخاص ثالث مرتبط با شرکت، شاهد تحول مستمر و پایدار در مباحث مربوط به مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها هستیم (نوری یوشانلوئی و جوهر، ۱۳۹۳: ۶۰۹). مسئولیت اجتماعی را مسئولیت شرکت‌ها به‌دلیل تأثیرات آنها بر جامعه تعریف کرده‌اند (European Commission, com, 2011: 6 81 Final:6)، ضمن آنکه تحقق کامل این نوع مسئولیت را ادغام علایق و منافع ذی‌نفعان و مشتریان در زمینه‌های اجتماعی، زیست‌محیطی و حقوق بشری در فرایند عملیات تجاری و راهبردهای اصلی مدیریت شرکت دانسته‌اند (European Commission, 2011: 681 Final:6). مسئولیت اجتماعی محصول تعدیل، ایجاد توازن و حل تناقض‌های دو رویکرد نظری اصلی است: ۱. نظریه نمایندگی^۱ و ۲. نظریه ذی‌نفعان^۲. اگرچه رویکرد نخست، سهامدارمحور است، طبق مدل فریدمن استفاده از هر راهکاری توسط مدیران شرکت برای حداکثرسازی سود و منفعت تجویز نمی‌شود. او تجارت و هدف حداکثرسازی سود را در چارچوب تبعیت از قانون و عدم نقض عرف اخلاقی اجتماع معنا می‌کند (Friedman, 2007: 173-174). رویکرد دوم، نظریه حاکم و غالب مسئولیت اجتماعی شرکت‌های تجاری در دوران معاصر است. فریدمن تعریف وسیعی را از ذی‌نفع ارائه کرد به این شرح که هر فرد و گروه تأثیرگذار یا تأثیرپذیر از دستیابی سازمان به اهدافش به عنوان ذی‌نفع شناسایی می‌شود (Freeman: 2001: 4). در واقع

1. Agency Theory
2. Stakeholder Theory

تمامی کسانی که براساس حقوق بشر، صاحب حق هستند، جزء ذی‌نفعان شرکتهای تجاری محسوب می‌شوند، زیرا منفعت آنها از حق خود، تحت تأثیر اقدام و عمل شرکت واقع می‌شود. رویکرد ذی‌نفع محور ایجاب می‌کند که هیچ عملیات یا اقدامی توسط شرکت نباید به صدمه و ضرر به ذی‌نفعان منجر شود؛ در واقع مسئولیت اجتماعی به‌عنوان الگویی یکپارچه، مسئولیت بنگاه تجاری را در مورد حقوق و منافع در معرض خطر، مدیریت می‌کند. روش‌شناسی و فلسفه اعمال این تئوری در حقوق بین‌الملل، انتقال این چارچوب، توسعه و دفاع از آن مابین حوزه مدیریت تجاری و محدوده ارزش‌های بین‌المللی با پیش‌فرض انسان‌محوری، توسط کوفی عنان مطرح شد (Matwij Kiw, 2015: 410).

کوفی عنان به‌جای کاربرد ساده عبارت دارندگان حقوق بشر و نظایر آن، از واژه ذی‌نفعان استفاده کرد. ذی‌نفعان می‌توانند ادعاهای متنوعی را برای تضمین احترام به حقوقشان علیه شرکت‌ها مطرح کنند. بن‌مایه این ادعاها به این دلیل قوی‌تر است که ریشه در حقوق بنیادین بشر دارد. از منظر هنجارشناسی، مسئولیت اجتماعی به لحاظ محتوا و مفاد از مقوله حقوق سخت، ولی در مرحله اجرا از مصادیق حقوق نرم به‌شمار می‌آید. ویرل هیوارت این هنجارها را هیبریدی می‌داند (Heyvaert, 2009: 3). بی‌شک در صورتی که حقوق بین‌الملل موضوعه بخواهد به سمت و سوی تحقق رژیم مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها حرکت کند، باید حقوق نرم و قوام‌نیافته را نقطه عزیمت خود قرار دهد (لطیفیان، ۱۳۹۱: ۵۶۷)، ضمن آنکه امروزه هنجارهای مسئولیت اجتماعی در پرتو خصوصیات مراقبت مقتضی در حال تبدیل شدن به عناصر مادی و معنوی در رویه و رفتار شرکت‌ها شده‌اند، به‌گونه‌ای که از پیدایش حقوق بین‌الملل عرفی شرکت‌ها سخن به میان آمده است (Kristen Stefanik, 2017: 277).

در حقوق بین‌الملل مراقبت مقتضی دارای مفهومی انعطاف‌پذیر است و می‌تواند بنا به آستانه تحریک هر حوزه از این حقوق، متفاوت عمل کند. شاید با تعمیم همین خصوصیت بنیادین، اصل ۱۷، بخش «ب» اصول راهنمای ملل متحد نیز اشعار می‌دارد که مراقبت مقتضی در زمینه حقوق بشر به اندازه تجارت بنگاه تجاری، ریسک آثار وخیم حقوق بشری، ماهیت و زمینه عملیاتی شرکت‌ها، بستگی دارد. از این‌رو همان‌طور که در حقوق بین‌الملل نوعی انعطاف‌پذیری در مقوله مراقبت مشاهده می‌شود، در رژیم مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها نیز مراقبت مقتضی ضابطه رفتاری انعطاف‌پذیر و نسبی است. این امر از منظر حقوق موضوعه ظرفیت مراقبت مقتضی را ثابت می‌کند.

این اصطلاح اساساً از مفهوم سنتی خود در حقوق بین‌الملل فراتر رفته است و به‌عنوان

1. Human rights holders
2. Veerle Heyvaert
3. Hybrid Norms

شرط فراگیراً تمامی اقدامات و فرایندهای مدیریت زنجیره تأمین^۱ و مدیریت ریسک شرکت‌ها را به‌منظور کاهش آثار منفی ناشی از عملیات آنها بر بهره‌مندی از حقوق بشر در برمی‌گیرد. در واقع مراقبت مقتضی، به‌عنوان معیار رفتاری، مسئولیت را به‌دلیل پذیرش عملی قواعد ثانویه^۲ به‌مثابه معیارهای عمومی مشترک «رفتار»، به جزئی از نظام حقوقی تبدیل می‌کند.

مراقبت مقتضی ارتباطی از نوع لازم و ملزوم با مسئولیت اجتماعی دارد. تا حدی که برخی پژوهشگران از ظهور و پیدایش رژیم مسئولیت اجتماعی مبتنی بر مراقبت مقتضی سخن گفته‌اند و مراقبت مقتضی را به‌عنوان مبنای نظری- عملی و رابطی بین مسئولیت اجتماعی و مسئولیت حقوقی به‌کار می‌برند (Mares, 2017). در واقع مراقبت مقتضی ماهیتاً به‌طور بالقوه ابزاری خودقاعده‌مندساز^۳ در مسئولیت اجتماعی به‌شمار می‌آید. ترکیب این دو مقوله (مسئولیت و مراقبت) به‌نوعی ترکیبی دوشرطی می‌سازد. به‌عبارت دیگر، اگر مسئولیت، (الف) و مراقبت، (ب) نامگذاری شود، منطق رابطه آنها به شکل $B \Leftrightarrow A$ خواهد بود، ازاین‌رو یک رژیم حقوقی اجتماعی با خصوصیتی ترکیبی تحت عنوان رژیم مسئولیت اجتماعی با مبنای مراقبت مقتضی به‌دست می‌آید. لزوماً برای بازشناسی این تعامل، نظام اختصاصی مراقبت مقتضی حقوق بشر محور، مطالعه می‌شود. همان‌طور که روگی شرح می‌دهد: «تحقق مسئولیت احترام به حقوق بشر مستلزم مراقبت مقتضی است که این مفهوم گام‌هایی را که یک شرکت باید برای جلوگیری، پیشگیری و برخورد با آثار مضر بر حقوق بشر بردارد، تبیین می‌کند (A, HRC/8/5.7 April 2008, para 56).

پنج اصل از اصول راهنما دقیقاً و مشخصاً ذیل عنوان مراقبت مقتضی مبتنی بر حقوق بشر قرار می‌گیرند که استحکام‌بخش مرکزیت این مفهوم در طرح روگی به‌شمار می‌آیند (Bonnitche, Mc Corguodale, 2017: 900) که در قالب سه رکن حمایت، احترام و جبران، با عبارت‌پردازی ذیل شکل‌بندی جدیدی یافت:

رکن اول: تعهد دولت به حمایت^۴ از حقوق بشر؛ رکن دوم: مسئولیت شرکت برای احترام^۵ به حقوق بشر؛ رکن سوم: دسترسی به جبران^۶ برای قربانیان سوء استفاده‌های (حقوق بشری) مرتبط با تجارت. از سیاق واژگانی به‌کاررفته در اصول راهنما می‌توان این‌گونه برداشت کرد که اختصاص واژه‌های تکلیف^۷ و تعهد^۸ در توصیف مسئولیت دولت‌ها به ترویج و ارتقای حقوق بشر و خودداری از

1. Umbrella Clause

۲. Supply Chain Management. برنامه‌ریزی، هماهنگی و کنترل همه فرایندهای تجاری است که به‌منظور ارائه ارزش به مصرف‌کننده با هزینه کمتر و در نهایت با لحاظ کردن الزامات دیگر ذی‌نفعان در زنجیره تأمین صورت می‌گیرد (Van Dor Vorst, J., 2004: 6).

3. Second Rules

4. Self-Regulation

5. Protect

6. Respect

7. Remedy

8. Duty

به کار بردن این واژگان برای شرکت‌های فراملی به منظور تأکید بر تفاوت مسئولیت شرکت‌ها و دولت‌ها در تعهدات مثبت و منفی حقوق بشری است (محمودی و صدیقیان کاشانی، ۱۳۹۷: ۸۴۳). اصول راهنما در طی مسیر تکاملی ایجاد پاسخگویی در مورد اصول هسته‌ای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، یعنی حقوق بشر، حقوق کار، حقوق محیط زیست و توسعه پایدار به طور ویژه در اصول ۱۷ تا ۲۱ برای ایجاد سامانه حقوقی - اجتماعی نیرومند، با تخصیص مراقبت مقتضی، راهکار عملی اجرای اصل ۱۱ سند را فراهم آورد. براساس مفاد این اصل، بنگاه‌های تجاری باید از مداخله در حقوق بشری دیگر افراد اجتناب ورزند و آثار ناگوار آبر حقوق بشر را که در نتیجه اعمال آنها حادث می‌شود، مورد بررسی و تحت پوشش برخوردی مناسب قرار دهند (Guiding Principles, 2011, Principle: 11).

تأثیر حقوق بشری معکوس یا زیانبار زمانی اتفاق می‌افتد که یک اقدام، اولویت و قابلیت یک فرد را برای استیفای حقوقش از بین ببرد یا کاهش دهد (EU Communication, 2011). براساس آنچه از اصول پنج‌گانه مراقبت مقتضی حقوق بشر محور، در قالب یک سند ویژه مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها برمی‌آید، تنظیم‌کنندگان خواسته‌اند ذیل عنوان اقدامات مراقبت مقتضی، اصول و منابع مسئولیت اجتماعی را به فرهنگ‌های شرکتی و سامانه مدیریتی و تصمیم‌سازی آنها وارد کنند. اصول راهنما این درک و دریافت اولیه را از واژه‌شناسی مراقبت مقتضی به دست می‌دهد که مراقبت مقتضی در کنار مسئولیت اجتماعی، به‌عنوان جزئی از مدیریت زنجیره تأمین، بخشی از روند تجاری مراقبتی است که در فرایند مدیریت ریسک تجاری، ادغام و گنجانده می‌شود.

مدیریت ریسک، کلید تعامل مراقبت و مسئولیت

اصل ۱۸ برای تحقق مسئولیت شرکت‌ها در اجرای رکن دوم سند، بر دو عنصر کلیدی مدیریت ریسک تأکید ورزیده است: ۱. ارزیابی ریسک حقوق بشری و ارزیابی آثار حقوق بشری^۴ (Guiding Principles, 2011: Principle 18). آنچه در قضایای ویلای پارسیسی^۵ و بوپال^۶ در اثر عملکرد شرکت‌های چندملیتی رخ داد،

1. Obligation

2. Adverse Impacts

3. Human Rights Risk Assessment (HRRRA)

4. Human Rights Impact Assessment (HRIA)

۵. Villa Parisi: یکی از شهرهای برزیل است که در سال ۱۹۷۲ به دلیل بی‌دقتی پگروپراس، بزرگ‌ترین شرکت

برزیلی در صنعت فولاد، ۷۰۰۰۰۰ لیتر سوخت به مرداب آن شهر سرازیر شد و آتش گرفت. بر اثر سوختگی

۵۰۰ نفر مردند و جسد کودکان یک شیرخوارگاه هیچ‌گاه پیدا نشد (بک، ۱۳۹۷: ۹۰).

۶. Bhopal: در این شهر هند، به دلیل ابرسمی ناشی از نشت یک کارخانه شیمیایی، ۳۰۰۰ نفر مردند و احتمالاً

۲۰۰۰۰ نفر نابینا شدند (بک، ۱۳۹۷: ۹۰).

به دلیل نفی خطر و عدم درک این نکته است که از خطری جهانی جامعه عینی به وجود می‌آید (بک، ۱۳۹۷: ۹۵-۹۴).

اساساً برای رویارویی با چالش ریسک در جامعه بین‌المللی، شرکت‌ها متعهدند خطر تأثیرات مضر بالقوه و بالفعل فعالیت تجاری خود را بر بهره‌مندی از حقوق بشر با در نظر گرفتن دو راهبرد پیشگیرانه مراقبت مقتضی و مسئولیت اجتماعی در فرایند مدیریت خود، مورد شناسایی، ارزیابی، نظارت و اقدام قرار دهند.

بند «ب» اصل ۱۵، مراقبت مقتضی را بخشی از روال تجاری و مدیریت آن معرفی کرده است. تجارت به‌طور معمول از مراقبت مقتضی برای ارزیابی آستانه ریسک‌های فراتر از کنترل شرکت، گسترش راهبردهای کاهش خطر، مانند تغییرات در سیاست‌های حاکمیتی، تغییر در ترجیحات مشتری، حتی الگوهای تغییرات آب‌وهوایی استفاده می‌کند. چالش‌های حقوق بشری ناشی از زمینه‌های عملیاتی تجاری، خواه قابل کنترل باشد یا نباشد، تأثیرات و ارتباطات آنها می‌تواند ریسک‌های مادی را برای شرکت و ذی‌نفعان آن ایجاد کند (A/HRC/11/13, 2009, para. 51).

مراقبت مقتضی، در این معنا، بخشی از فرایند اجتماعی و اقتصادی به‌شمار می‌آید و با استنباط از مفهوم و سنخیت دوگانه اما مشترک مراقبت و مسئولیت اجتماعی، اساساً نوعی از مراقبت مقتضی به معنای تعهد به اجرا و اقدام مقتضی در فرایند مدیریت تجاری با تأکید بر کاهش ریسک در ادبیات حقوقی جلوه‌گر می‌شود.

تغییر نوع ریسک‌ها در جامعه بین‌المللی، مستلزم تغییرات مهمی در نگرش‌های مدیریتی شرکت‌های چندملیتی است. از این رو مسئولیت اجتماعی با اکتفا بر مراقبت مقتضی با عنایت به دگرگونی‌های جامعه بین‌المللی و محوریت «ریسک»، حداقل به‌طور واقع‌بینانه‌ای رفتار شرکت‌ها را در پارادایم جامعه ریسک‌محور می‌تواند واجد وصف مسئولانه کند و همسویی شرکت‌ها را با انتظارات و منافع ذی‌نفعان جامعه بین‌المللی در تصویری متفاوت و واقع‌گرا از جامعه جهانی مبتنی بر خطر، افزون سازد.

۲. رویکرد ریسک‌محور

از مبادی توجیه مراقبت مقتضی مبتنی بر حقوق بشر، اصولاً طرح رویکرد مبتنی بر حقوق بین‌الملل ریسک‌محور است. آنچه به‌عنوان پیش‌نیاز نظم بین‌المللی مطلوب و مؤثر برای ایجاد مسئولیت اجتماعی بین‌المللی شرکت‌های چندملیتی ضروری می‌نماید، ترسیم فضای دوفاکتوی حقوق

1. Objective Community
2. Material Risks
- 3 International law Risk- Based
4. De Facto

بین‌الملل از منظری ریسک‌محور است. دیدگاه سنتی دولت‌محور ایجاب می‌کند که دولت‌ها ریسک را ارزیابی کنند و حتی چنانکه در پرونده نیکاراگوئه علیه آمریکا مشاهده شد، با توجه به میزان کنترل مؤثر یا کنترل کلی یک دولت بر رفتار بازیگری غیردولتی که به ریسک آسیب‌زا، ضرر فیزیکی و صدمه فرامرزی به دولت دیگر منجر شده باشد، مسئولیت نقض قاعده منتج به ضرر بر عهده آن دولت خواهد بود (ICJ, Reports 1986: paras.110-115). اما در حال حاضر، ایده ریسک‌محور ایجاب می‌کند که مفهوم ضرر براساس بازیگران و قربانیان جدید بازتعریف شود (Townley, 2018: 625).

اصول راهنما، به‌طور عمل‌گرایانه‌ای، تعهد به کاهش ریسک را برای شرکت‌ها به‌عنوان کنشگران نوین با لحاظ کردن مراقبت مقتضی حاصل از دیدگاهی ریسک‌محور، ایجاد کرده است. حتی روگی برای مراقبت مقتضی مبتنی بر حقوق بشر، جایگاهی مستقل قائل می‌شود، چنانکه به عقیده او ارزیابی آثار حقوق بشری باید از ارزیابی آثار زیست‌محیطی به‌مثابه رویکرد بررسی آثار مستقیم یک پروژه جدا شود و در عوض، ملاحظاتی درباره اینکه پروژه چگونه می‌تواند به‌طور احتمالی در مورد تأثیرگذاری بر حقوق واکنش نشان دهد، یا ریسک آنها را افزایش یا کاهش دهد، در نظر گرفته شود (A/HRC/4/14/2007). طبق پیشنهاد روگی مراقبت مقتضی باید آثار حقوق بشری متناقض و مضر (هم تأثیرات و هم ریسک‌های بالقوه و بالفعل) را که یک شرکت سبب آن می‌شود یا در ایجاد آن از طریق عملیات تجاری به‌طور مستقیم مشارکت دارد یا فعالیت‌هایی را که به‌طور غیرمستقیم از طریق ارتباط با دیگر کنشگران به آن مربوط می‌شود، شامل شود (A/HRC/17/31/21 March 2011: 12).

باید توجه داشت که مسئولیت اجتماعی با توجه به تعریف و مصادیق آن، زمانی کارایی خود را در سطح جامعه بین‌المللی دارا خواهد بود که «ارزیابی آثار حقوق بشری» بر مبنای مدیریت ریسک به‌عنوان مفهومی کلیدی و حیاتی قابل انجام باشد. به سخن دیگر، مسئولیت اجتماعی اقتضا دارد که شرکت‌ها، آثار حقوق بشری مؤثر بر منافع ذی‌نفعان و مضر بر قابلیت آنها در اجرای حقوقشان را شناسایی و ارزیابی کنند. از این‌رو مدیریت ریسک با ادغام مسئولیت اجتماعی در فرایند مراقبت مقتضی، می‌تواند تکنیک مدیریت سازمانی خود را بهبود بخشد و به انتظارات اجتماعی ذی‌نفعان توسط تصمیم‌سازان شرکتی و تعریف یک زنجیره تأمین نامعیوب و زنجیره ارزش مناسب، پاسخ گوید.

۲. مدیریت رشد ریسک‌های حقوق بشری و اجتماعی

ریسک شرکتی زمانی به‌وجود می‌آید که آسیب‌پذیری‌هایی در سیستم عملیات یک سازمان

۱. روگی برای نشان دادن ارتباط شعبه‌ها و نهادهای وابسته به برند شرکت‌های چندملیتی از واژه Leverage به معنای نفوذ استفاده می‌کند.

به دلیل فقدان کنترل‌های مؤثر و اقدامات معکوس (مثل فقدان مدیریت ریسک) ایجاد می‌شود (Kytte & Ruggie, 2005: 5).

تجارت پایدار و مسئولیت اجتماعی از طریق مراقبت مقتضی حقوق بشر محور، به مدیریت ریسک در تجارت برای کاهش ریسک ورود ضرر به مشتریان، کارکنان و جوامع، با شناسایی ریسک‌های در حال ظهور کمک می‌کند.

ایجاد درک و فهم لازم و کافی از مدیریت ریسک حقوق بشری و ادغام آن در سامانه مدیریت شرکتی در این زمینه بسیار مؤثر است، با این توضیح که مدیریت ریسک فقط موجب عدم خدشه به اعتبار و برند شرکت نخواهد شد، بلکه مدیریت ریسک شهرت، سبب عدم افزایش طرح دعوی حقوقی و کیفری علیه یک شرکت خواهد شد.

شرکت‌ها در اقتصاد جهانی، کنشگران کلیدی در سیستمی پویا هستند. (Kytte & Ruggie, 2005: 6). سیستم پویای جامعه بین‌المللی، امروزه سطوح به هم پیوسته و فراوان تری در تعاملات ایجاد کرده و فشارهای جدید، جدی و اثرگذاری را بر بازیگران این جامعه برای یافتن نقطه بهینه این نوع روابط وارد نموده است. فشارهای وارده از سطوح مختلف، بیشتر از سوی جامعه مدنی و ذی‌نفعان ایجاد شده است که برای شرکت‌ها ریسک اجتماعی را به‌عنوان عاملی مهم در تصمیم‌سازی شرکتی جلوه‌گر ساخته است.

به هر حال یک بازی در حال شکل‌گیری است. ذی‌نفعان قدرتمند با ادعاهای متقن در خصوص نوع مراقبت‌های لحاظ‌شده در مدیریت، منابع یا خروجی و تولیدات شرکت‌ها می‌توانند رفتار شرکتی را به چالش بکشند و به‌عنوان بازیگران اجتماعی در سطح بین‌المللی، دامنه‌ای گسترده و متنوع از موضوعات اجتماعی را در فقدان چارچوب الزامی قدرتمند، در قالب رویه‌های سیاسی مطرح سازند. این موارد به چالش ریسک اجتماعی برای شرکت منجر می‌شود. حداقل نتیجه ایجاد ریسک اجتماعی برای شرکت‌ها از طرف ذی‌نفعان، ایجاد خلل و آسیب در دستاوردهایی مثل شهرت و اعتبار و تصویر بیرونی شرکت است (Kytte & Ruggie, 2005: 6).

برنامه مدیریتی مسئولیت اجتماعی با سازوکار مشارکت ذی‌نفعان منابع اطلاعاتی مهمی را درباره ریسک اجتماعی در اختیار مدیران شرکتی قرار می‌دهد. ذی‌نفعان عامل چالش ریسک اجتماعی برای شرکت‌های چندملیتی‌اند که قابلیت آن را دارند که با ایفای نقش اجتماعی فعال‌تر در جامعه بین‌المللی، متقاضی ایفای مسئولیت در جهت اقدام به نفع حقوق بشر شوند. چنانکه مدیران شرکتی امروز باید با برنامه مسئولیت، مسئله ریسک‌های مرتبط با ذی‌نفعان را حل کنند. نکته شایان توجه آن است که وقوع ریسک حقوق بشری، یعنی عدم ارزیابی تأثیرات بالقوه آسیب‌زا و بالفعل وقوع یافته، به تولید ریسک اجتماعی منجر خواهد شد.

اصول ۱۶، ۲۰، ۲۱ و ۲۲ از اصول راهنمای ملل متحد سعی دارد برای ایجاد فهمی در برداشت عمومی در میان ذی‌نفعان جامعه بین‌المللی و با محوریت رویکردی واقع‌بینانه، سامانه مشارکت ذی‌نفعان را در فرایند مدیریت شرکت‌های چندملیتی ادغام کند.

به سخن دیگر، شرکت‌ها با لحاظ کردن اصول پیشگیرانه احتیاط و مراقبت مقتضی ذیل مجموعه قواعد مسئولیت اجتماعی، حتی به شکل آیین‌های پیشگامانه داوطلبانه‌ای چون «ابتکار عمل در ارائه گزارش جهانی»^۱ تلاش دارند ریسک اجتماعی خود را کاهش دهند. این ابتکار عمل‌ها امروزه در سطح وسیعی از سوی شرکت‌ها و در بیش از ۹۰ کشور به صورت گزارش به ذی‌نفعان ارائه می‌شود (Pedersen, 2015: 107). بنابراین مسئولیت اجتماعی، عامل راهبردی مدیریت ریسک به‌شمار می‌آید، زیرا با مدیریت روابط ذی‌نفعان با شرکت چندملیتی و البته، در قالب نظم بین‌المللی منصفانه و دموکراتیک، در پی انسداد خلأها و حلقه‌های تسلسل از طریق مدیریت واقعی مشارکت ذی‌نفعان است.

خط‌مشی تعهدآبه مراقبت مقتضی باید برجسته‌ترین موضوعات حقوق بشری مطرح برای شرکت‌های چندملیتی را شناسایی و این موضوع را برای ذی‌نفعان شفاف‌سازی کند که این موضوعات مهم چگونه در فرایندها و سیاست‌های شرکتی انعکاس می‌یابند. این موضوع در اصل ۱۶ از اصول راهنما به‌روشنی آمده و حاکی از آن است که پرداختن به موضوعات اساسی حقوق بشری تحت پوشش مفهوم و محتوای مسئولیت اجتماعی، با ورود ذی‌نفعان و گسترش تعهد به مراقبت به ایشان، تقویت می‌شود (Guiding Principles, 2011, Principle: 16).

اصول ۲۰ و ۲۱ نیز به موضوع ذی‌نفعانی می‌پردازند که از آثار زیانبار فعالیت‌های شرکت‌های تجاری بر حقوق بشری خود لطمه دیده‌اند و به‌علاوه، شناسایی و برقراری ارتباط با آنها را مدنظر قرار می‌دهند. از این رو سند اصول راهنما به‌عنوان چارچوب رژیم مسئولیت اجتماعی، با اجتماعی‌سازی اصول، دانش و دریافت بهتری از انتظارات اجتماعی را در قالب حقوق بین‌الملل بشر با راهبردی ذی‌نفع محور و با ایجاد سازوکارهای ارتباط بیشتر با ذی‌نفعان در اختیار شرکت‌ها قرار می‌دهد. این امر به آنها کمک می‌کند تا فهم خود را از استانداردها و هنجارهای بین‌المللی در حال شکل‌گیری که شرکت باید از آنها تبعیت کند، افزایش دهند. از نتایج تکنیکی این پارادایم، کاهش ریسک تخصیص منابع به‌طور هوشمندانه‌تر، از طریق پیگیری برنامه مسئولیت اجتماعی مبتنی بر مراقبت مقتضی، برای مدیریت ریسک است.

از نمونه‌های بارز ریسک اجتماعی حاصل از عدم مدیریت ریسک‌های حقوق بشری تجارت به‌دلیل بی‌توجهی به هنجارهای مسئولیت اجتماعی کاهنده ریسک، قضیه شرکت تگزاکو^۲ در

1. Global Reporting Initiative
2. Policy Commitment
3. Socialize

۴. Texaco case: گروهی ۷۵ نفره از سرخ‌پوستان مقیم آمازون در اکوادور از شرکت نفتی تگزاکو به‌دلیل بوم‌کشی به

مورد آلودگی نفتی جنگل آمازون در اکوادور است. رویه‌ای غیرقابل جبران و ترمیم که به دلیل تأخیر در فرایند مدیریت در مورد محاسبه احتمال بروز ریسک، و عدم انضمام برنامه مسئولیت اجتماعی بین‌المللی در این فرایند، حق سلامت و حق حیات مردم و در واقع ذی‌نفعان در جامعه محلی به طور جدی و مؤثر به خطر افتاد.

ریسک حقوق بشری عامل افزایش ریسک اجتماعی برای شرکت‌هاست. بنابراین منطق انتقال وضع ریسک حقوق بشری به ریسک اجتماعی ترسیم این الگوست که فقدان مراقبت مقتضی به دلیل رابطه مستقیم آن با نقض اصول مدیریت ذی‌نفعان در فرایند مدیریت شرکتی، حاصلی جز رشد ریسک اجتماعی نخواهد داشت.

اصل احتیاط، حلقه واسط مسئولیت اجتماعی و مراقبت مقتضی

آنچه مراقبت مقتضی حقوق بشر محور را به مسئولیت اجتماعی پیوند می‌دهد، اصل احتیاط است. هر دو مفهوم ذاتاً مبتنی بر رویکرد احتیاطی هستند و در واقع نقطه مشترک آنها رعایت اصل احتیاط به عنوان یک شاخص رفتاری است. تحقق مسئولیت اجتماعی مبتنی بر مراقبت مقتضی ایجاب می‌کند که شرکت در مورد حقوق ذی‌نفعان، رفتاری معقول‌آبا لحاظ کردن اصل عدم ضرر داشته باشد. دو عامل معقول بودن و عدم ضرر اساس رفتار محتاطانه را شکل می‌دهند. در واقع مراقبت مقتضی حقوق بشر محور، مدیریتی مستمر است که یک شرکت محتاط و معقول ضرورتاً باید به انجام برساند (UN Human Rights Office, An Interpretive Guide, 2012: 31-32). بی‌شک تحقق این نوع مدیریت و با این اوصاف، بدون در نظر گرفتن شاخص اجرای مسئولیت اجتماعی و آثار آن بر رفتار شرکت، امکان‌ناپذیر است. در اینجا لازم است ابتدا اینکه اصل احتیاط، اقتضای ذاتی مسئولیت اجتماعی شرکت‌هاست، با تبیین مفهوم مرتبط انصاف بین‌نسلی توضیح داده شود و سپس اشتراک ماهیتی دو مقوله مراقبت و مسئولیت در اصل احتیاط تشریح و توصیف شود.

انصاف بین‌نسلی مفهومی است که بر ضرورت توزیع منصفانه تأثیرات تجارت بر ذی‌نفعان همه نسل‌ها، مانند نسل حاضر دلالت دارد. مدیریت ریسک به طور فزاینده‌ای به تأثیر تجارت بر نسل‌های آینده هم‌پایه نسل‌های حاضر در زمینه‌هایی همچون سلامت و بهداشت انسانی و مسائل زیست‌محیطی توجه دارد (Benn & Bolton, 2011: 125).

دادگاه‌های آمریکا شکایت کردند و خواهان دریافت غرامت ۱/۵ میلیارد دلاری شدند (ویتری گوالینیا، ۱۳۸۵: ۱۲).

1. Precautionary Principle
2. Reasonable
3. No Harm Principle
4. Intergenerational Equity

از سوی دیگر رفتار منصفانه در مورد همه نسل‌ها، ماهیتاً از جهت بررسی و ارزیابی درازمدت نتایج نامعین و غیرقطعی تولیدات و فناوری‌های شرکت‌های چندملیتی، به اصل احتیاط مرتبط است. به عبارت دیگر، سنجش و اندازه‌گیری ریسک‌های احتمالی مشخصاً و الزاماً، با رعایت اصل احتیاط صورت می‌گیرد. مسئولیت اجتماعی با این اصل ارتباط ماهیتی پیدا می‌کند، به این سبب که به‌عنوان رکنی از توسعه پایدار، رفتار مسئولانه شرکتی باید پیامدهای توسعه صنعتی و فناوری را از حیث میزان خطر احتمالی برای منافع ذی‌نفعان تحت تأثیر، مدیریت کند و مورد ارزیابی و سنجش قرار دهد. از این رو مسئولیت ذاتاً با اصل احتیاط ملازمه پیدا می‌کند. اصل احتیاط از انصاف بین‌نسلی پشتیبانی می‌کند تا تضمین کند هزینه‌های بلندمدت ناشی از اقدامات شرکت‌ها به‌خصوص در مورد محیط زیست و سلامت انسان نباید به لحاظ کیفی و کمی از منافع اقتصادی کوتاه‌مدت بیشتر باشد. این اصل راهبردی، علت منطقی و علمی پیوستگی مدیریت ریسک با مسئولیت اجتماعی است. اصل احتیاط به لحاظ وضعیت حقوقی حداقل یک اصل حقوق ذیل بند ۳(۱) ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری است که فعالیت آن به‌عنوان یک اصل راهنما پذیرفته شده‌ترین کارکرد آن است (کخدایی و سالاری، ۱۳۹۷: ۵۸).

از مصادیق بارز رابطه سرشتی مسئولیت اجتماعی با اصل احتیاط، کنوانسیون استکهلم در مورد آلودگی‌های ارگانیک پایدار است. این کنوانسیون در مورد برخی تولیدات شیمیایی شرکت‌ها، آسیب‌زایی و خطر آنها را به‌طور بالقوه حتی با وجود عدم قطعیت آثار منفی، پیش‌فرض قانونگذاران می‌داند. در واقع اصل احتیاط را جزء مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و به‌عنوان رویکردی غیرقابل چانه‌زنی تلقی می‌کند (Stockholm Convention, 2001, Art:8(9)).

شرکت‌ها باید اصل احتیاط را به‌عنوان مقتضای طبیعی ماهیت مسئولیت اجتماعی، هنگام تولید و توسعه محصولات جدید و فرایندهای نوین با استفاده از ابزار و وسایل تجزیه و تحلیل سیستماتیک آثار بلندمدت زیست‌محیطی یا تأثیرات اجتماعی، در مدیریت ریسک ادغام کنند. اصل احتیاط جزئی جدایی‌ناپذیر از مسئولیت اجتماعی است، به این معنا که «احتیاط» ایجاب می‌کند که شرکت‌ها مسئولیت اجتماعی را رعایت کنند. اصل احتیاط بیانگر آن است که تصمیم‌سازی‌های بخش عمومی و خصوصی باید با ارزیابی دقیق برای اجتناب از ورود صدمه جدی و برگشت‌ناپذیر به محیط زیست و نیز ارزیابی و سنجش وزن خطر و پیامدهای گزینه‌های متنوع، هدایت شوند (Deville & Harding, 1997: 131).

اینکه امروزه رویکرد احتیاط به‌عنوان یک راهبرد، مقرر می‌دارد که تولیدات و محصولات بالقوه دارای خطر باید به لحاظ تأثیرات اجتماعی ایمن باشند، یک جزء اساسی مسئولیت اجتماعی است (Maclean, 2009: 347).

پیمان جهانی به عنوان سند مادر مسئولیت اجتماعی، یک اقدام داوطلبانه محور فراملیتی است که شامل ده اصل برای ایجاد شهروند مسئول شرکتی با هدف ایجاد اقتصاد جهانی فراگیر و پایدار است. اصل ۷ پیمان جهانی اشعار می‌دارد که تجارت باید از رویکردی احتیاطی برای چالش‌های زیست‌محیطی حمایت کند. (Global Compact, 2000, Principle:7)

بر اساس اصل احتیاط، شرکت‌ها باید دوگانگی «تجارت» و «محیط زیست» را از میان بردارند و این دو را عیناً به یکدیگر وابسته ببینند. در نتیجه شرکت‌ها باید فراتر از تعهد صرف به قوانین محیط زیستی موجود، خود را متعهد به اصول محیط زیست پایدار بدانند (Maclean, 2009: 407). مطابق اصل ۷ پیمان جهانی، شرکت‌ها باید هزینه‌های ناشی از نادیده گرفتن اقدامات احتیاطی را بر عهده بگیرند، این در حالی است که حتی با رویکرد هزینه - فایده^۱ هزینه‌های دعاوی و جبران خسارات ناشی از ضررهای بازگشت‌ناپذیر و آسیب‌رسان به حقوق بشر و محیط زیست و در نهایت رشد ریسک اجتماعی ناشی از آن است.

از سوی دیگر، آنچه مراقبت مقتضی را همچون حلقه‌ای واسطه به مسئولیت اجتماعی متصل می‌سازد، اصل احتیاط است. مسئولیت اجتماعی ماهیتاً رفتاری احتیاط‌محور از سوی تصمیم‌سازان شرکتی به‌شمار می‌آید که لزوماً چنین استاندارد رفتاری در قالب و بستر مراقبت مقتضی سامان می‌یابد. از این دیدگاه، منطق رابطه مسئولیت اجتماعی به‌عنوان شاخص رفتاری محتاطانه توأم با مراقبت مقتضی به عنوان ضابطه رفتار شرکتی و جزئی از مدیریت ریسک زنجیره تأمین، از رهگذر تشریح و توصیف الگوی رابطه اصل احتیاط و مراقبت مقتضی به‌دست می‌آید؛ یعنی اصل احتیاط رابطه‌ای دوسویه با مسئولیت اجتماعی و مراقبت مقتضی دارد.

لینگ چن با اشاره و ارجاع به پیش‌نویس مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد جلوگیری از ضرر فرامرزی ناشی از اقدامات مخاطره‌آمیز^۲ و گزارش انجمن حقوق بین‌الملل در مورد اصول حقوقی مرتبط با تغییرات آب و هوایی،^۳ ضمن اشاره به تفاوت‌های مراقبت مقتضی، اصول پیشگیری^۴ و احتیاط، در این مورد بحث می‌کند که عملاً این اصول، تعامل و وابستگی متقابل نزدیکی دارند (Chen, 2016: 23).

از رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه کارخانه خمیر چوب نیز این‌گونه برمی‌آید که تعهد به اتخاذ تدابیر احتیاطی در چارچوب حقوق مراقبت مقتضی اتفاق می‌افتد (ICJ, Reports (2010: para. 101).

1. Cost and Benefit Approach
2. International Law Commission, Draft Articles on Prevention of Transboundary Harm from Hazardous Activities, with Commentaries (2001) [ILC].
3. International Law Association, Washington Conference Report: Legal Principles relating to Climate Change (2014) [ILA].
4. Protective Principle

اصل احتیاط می‌تواند ذیل اجرای مکانیزم مراقبت مقتضی اعمال شود. براساس استنادات و اشارات پیش‌گفته، اصل احتیاط جزئی اصلی و تفکیک‌ناپذیر از رژیم مسئولیت اجتماعی شرکت‌هاست و در واقع اجرا و تحقق مسئولیت اجتماعی در گرو اجرای اصل احتیاط است که رابطه نزدیکی با تعهد به مراقبت مقتضی دارد. تعهد به مراقبت مقتضی، اجرای رویکرد احتیاطی در مسئولیت اجتماعی را تسهیل می‌کند و می‌تواند راه‌حلی مناسب برای حل و فصل چالش‌ها و مسائل مربوط به مسئولیت اجتماعی باشد. چنانکه مدیریت ریسک حقوق بشری با اعمال مراقبت مقتضی، در واقع اقتضای رویکرد احتیاطی در مسئولیت اجتماعی به‌شمار می‌آید.

نتیجه‌گیری

مراقبت مقتضی مبتنی بر حقوق بشر و مسئولیت اجتماعی شرکت‌های چندملیتی تعاملی تئیمیمی و هم‌افزا در چارچوب روابط حقوق بشر و تجارت دارند. عدالت توزیعی مستلزم تحقق و اقدام در مورد مسئولیت اجتماعی است و نظریه بازی‌ها، نقطه تعادل رابطه سهامداران و ذی‌نفعان را مسئولیت اجتماعی مبتنی بر مراقبت مقتضی می‌داند. مدیریت ریسک به‌عنوان بخشی از فرایند تجاری و ارزیابی رفتار بر مبنای مفاهیم معقول بودن و ضرر، اقدامات و تدابیر شرکتی را در چارچوب اصول راهنمای ملل متحد در خصوص منافع تحت تأثیر ذی‌نفعان ذیل بحث مراقبت مقتضی و مسئولیت اجتماعی، مورد تدقیق و بررسی قرار می‌دهد. وجود مراقبت مقتضی حقوق بشری در اصول راهنمای ملل متحد که منشور و هسته مرکزی رژیم مسئولیت اجتماعی به‌شمار می‌آید، برای شرکت‌ها در صورت عدم تحقق مسئولیت، ریسک حقوقی ایجاد می‌کند. از سوی دیگر، مسئولیت اجتماعی توقعات و انتظارات ذی‌نفعان را در قالب ارزیابی تأثیرات و خطرهای حقوق بشری ناشی از عملیات تجاری شرکت‌ها مدیریت می‌کند. لحاظ کردن مسئولیت اجتماعی در فرایند مدیریت زنجیره تأمین ذاتاً رفتاری مبتنی بر اصل احتیاط به‌شمار می‌آید که براساس همین اصل، دو مقوله مراقبت و مسئولیت دارای تبادلات و مناسباتی از نوع میان‌رشته‌ای و با معیارهای عینی می‌شوند. این تعامل، مسئولیت اجتماعی را دچار تغییر سرشت تدریجی می‌کند و در سایه عناصر معنوی و مادی تشکیل‌دهنده حقوق بین‌الملل عرفی شرکتی، آن را به سمت تبدیل شدن به مسئولیت حقوقی شرکت‌ها سوق می‌دهد.

مراقبت مقتضی در نقطه اشتراکی به نام اصل احتیاط با مسئولیت اجتماعی تلاقی می‌یابد و اصول راهنما، با طرح استاندارد رفتاری مراقبت، توانسته است هم در محتوا و هم در نتیجه، استاندارد حقوقی در قالب مسئولیت از جنس اجتماعی را تعریف کند. حقوق بشر نیز در سایه این تعامل، خصوصیات ذاتی تجارت و اجتماع را لزوماً پذیرفته است.

طراحی راهبردی جامع و فراگیر و مؤثر مسئولیت اجتماعی، شاخص‌هایی را ذیل بحث مراقبت مقتضی در مدیریت ریسک شرکتی وارد و تضمین می‌کند برای حفظ تعادل و توازن بین

کارایی اقتصادی و مطلوبیت‌های ذی‌نفعان، ریسک حقوقی درهم‌تنیده با خطر شهرت و اعتبار شرکت با رویکردی ذی‌نفع‌محور به حداقل برسد. ضمن آنکه چرایی و چیستی مسئولیت اجتماعی با ماهیت خاص مراقبت مقتضی قابل توجیه و تعریف است. به سخن دیگر، مراقبت مقتضی، توجیه‌کننده مسئولیت اجتماعی به منزله رفتاری معقول و منصفانه است. چنانکه مسئولیت اجتماعی صرفاً ذی‌نفع‌محور نخواهد بود و در تکامل خط‌مشی تعهد به مراقبت مقتضی، به صورتی رفتارمحور نیز درمی‌آید. در واقع به‌طور عینی، مسئولیت اجتماعی دارای ضوابط سنجش و اندازه‌گیری و راستی‌آزمایی می‌شود. حقوق بشر به دلیل ابتدای آن بر کرامت ذاتی افراد، و الزامات بین‌المللی وابسته به ماهیت این حقوق، سازوکار و ابزار برای احترام هرچه بیشتر تجارت به حقوق بشری ذی‌نفعان از طریق سامانه پاسخگویی مراقبت مقتضی خواهد بود.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. بک، اولریش (۱۳۹۷)، *جامعه خطر: به سوی مدرنیته‌ای نوین*، ترجمه رضا فاضل و مهدی فرهنگ‌نژاد، تهران: ثالث.
۲. بیگس، برایان (۱۳۹۵)، *فرهنگ نظریه حقوقی*، ترجمه محمد راسخ، تهران: نشر نی.
۳. رالز، جان (۱۳۹۶)، *نظریه‌ای در باب عدالت*، ترجمه مرتضی نوری، تهران: نشر مرکز.
۴. شایگان، فریده (۱۳۸۶)، *حق توسعه*، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۵. عسکری، پوریا (۱۳۹۱)، *حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در رویه داور بین‌المللی*، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۶. فرجی، یوسف (۱۳۸۷)، *تئوری اقتصاد خرد*، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
۷. کولل، ای. ماس و دیگران (۱۳۸۷)، *تئوری بازی‌ها*، ترجمه منصور اعتصامی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۸. لاوت، فرانک (۱۳۹۶)، *راهنمای خواندن نظریه‌ای در باب عدالت رالز*، ترجمه محمد ملاحباسی، تهران: ترجمان.

ب) مقالات

۹. کدخدایی، عباسعلی؛ سالاری، اسما (۱۳۹۷)، «احتیاط در حقوق بین‌الملل: اصل عرفی یا اصل کلی حقوق؟»، *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی دانشگاه علامه طباطبایی*، دوره ۲۰، ش ۵۹.

۱۰. لطیفیان، محمدحسین (۱۳۹۱)، «شرکت‌های چندملیتی و محدودیت‌های حقوق بشری»، *مجله تحقیقات حقوقی*، دوره ۱۵، ش ۴.
۱۱. محمودی، سید هادی؛ صدیقیان کاشانی، منصوره (۱۳۹۷)، «تعهدات حقوق بشری و شرکت‌های فراملی با تأکید بر رویکرد شورای حقوق بشر»، *مطالعات حقوق تطبیقی دانشگاه تهران*، دوره ۹، ش ۲.
۱۲. نوری یوشانلوئی، جعفر؛ جوهر، سعید (۱۳۹۳)، «مفهوم‌شناسی مسئولیت اجتماعی شرکت‌های تجاری در حقوق آلمان، فرانسه، انگلستان و ایران با رویکرد تطبیقی»، *مطالعات حقوق تطبیقی دانشگاه تهران*، دوره ۵، ش ۲.
۱۳. ویتتری گوالینیا، کارلوس (۱۳۸۵)، «جریان نفت و خونریزی جنگل»، ترجمه داود طبایی، *پیام یونسکو*، ش ۳۴۷.

۲. انگلیسی

A) Books

1. Askari, Pouria (2012): *The Law of Foreign Investment in International Arbitration Practice*, first edition, Tehran: Shahr-e -Danesh Institute of Law Publication (In Persian).
2. Beck, Ulric (1992), *Risk Society: Towards a New Modernity*, translated by Reza Fazel & Mehdi Farahmand Nejad: Tehran Sales Publication (In Persian).
3. Benn, Suzanne & Boltone, Dianne (2011), *Key Concepts in Corporate Social Responsibility*, Sage Publications.
4. Bix, Brian, H. (2004), *A Dictionary of Legal Theory*, translated by Mohammad Rasekh: Tehran, Nashre Ney Publication, third edition (In Persian).
5. Deville, A. & Harding, R (1997), *Applying the Precautionary Principle*. Annandale, NSW: Federation Press.
6. Faraji, Yousef (2008), *Microeconomic Theory*, Tehran, Commercial Print and Publications Company (In Persian).
7. Hubbard, Douglas W. (2009), *The Failure of Risk Management: Why It's Broken and How to Fix It*. John Wiley & Sons.
8. Lovett, Frank (2011), *Rawls's A Theory of justice: A Reader's Guide*, translated by Mohammad Molaabasi, Tehran, Tarjoman, Publication, first edition (In Persian).
9. Mas Collel, A; Whiston, M. D; Green, J.R, (1995), *Game Theory (Microeconomic Theory)*, translated by: M. Etesami, Reviewed by M.T. Mohebbi, Tehran, University of Imam Sadiq Publication (In Persian).
10. Osborne, Martin J. and Rubinstein, A. (1994), *A Course in Game Theory*, MIT press.
11. Pedersen, Esben, R.G. (2015), *Corporate Social Responsibility*, London, Sage Publication.
12. Rawls, John (1999): *A Theory of Justice*, translated by Morteza Nouri: Tehran, Nashre Markaz Publication, second edition (In Persian).

13. Shaygan, Faride, (2007), *Right to Development*, Tehran, University of Tehran, Faculty of Law and Political Science Publication (In Persian).
14. Suttle, Oisin (2018), *Distributive Justice and World Trade Law, a Political Economy Theory of International Trade Regulation*, Cambridge University Press.

B) Articles

15. Bantekas, Ilias (2004), "Corporate Social Responsibility in International Law", *Boston University International Law Journal*, Vol. 22, pp. 309-347.
16. Chen, Ling (2016), "Realizing the Precautionary Principle in Due Diligence", *Dalhousie Journal of Legal Studies*, Vol. 25, No. 1, pp.1-23.
17. Freeman, R. Edward & McVea, John (2001), "A Stakeholder Approach to Strategic Management.", *Dardan Business School Working Paper*, No.1-2.
18. Friedman, M., (2007), "The Social Responsibility of Business Is to Increase Its Profit", *Corporate Ethics and Corporate Governance Journal*. Springer Link, pp.173-178.
19. Heyvaert, Veerle (2009), "Hybrid Norms in International Law." *LSE Law, Society and Economy Working Papers* at: www.lse.ac.uk/collections/law/wps/wps.htm and the Social Sciences Research Network electronic library at: <http://ssrn.com/abstract=1342366>.
20. Kytte, Beth & Ruggie, J.G. (2005), "Corporate Social Responsibility as Risk Management." *Corporate Social Responsibility Initiative Working Paper* 10.
21. Maclean, Jason. 2009. "Chapter 9: Principle Precautionary Principle." Pp. 347–416 in *Corporate social responsibility: a legal analysis*.
22. Mares, Radu. "Due Diligence in International Law and Corporate Social Responsibility (CSR)", available at: <http://rwi.la.se/radu1>. (last visited :30 July 2019)
23. Matwijkiw, Anja & Matwijkiw, B. (2013), "A Stakeholder Approach to International Human Rights." *Revue Internationale Droit Penal*, Vol.84, No.3, pp.405-432.
24. Stefanik, Kirsten. (2017), "Rise of the Corporation and Corporate Social Responsibility: The Case for Corporate Customary International Law." *Canadian Yearbook of International Law/Annuaire Canadien de Droit International*, Vol. 54, pp.276–308.
25. Townley, Stephen (2018), "The Rise of Risk in International Law", *Chicago Journal of International Law*, Vol. 18, No.2, pp.594-646.
26. Van Dor Vorst. Jack (2004), "Supply Chain Management, Theory and Practice", available at: www.researchgate.net/files/40122004 (last visited: 12/Aug/2019)
27. Kad Khodaei, Abbasali. & Salari, Asma (2018), Precautionary in International Law: "A customary Principle or a General principle of Law"? *Quarterly journal of Public Law Research*, year 20. No.59, pp: 33-63 (In Persian).
28. Latifian, Mohammad Hossein, (2013), "Multinational Corporations and Human Rights Restrictions" : *Revue de Recherche Juridique*, Shahid Beheshti University, faculty of law, Vol 15, No 60. pp: 551-618. (In Persian).
29. Mahmoodi, S.Hadi & Seddiqian Kashani, Mansoureh, (2018), "Human Rights Obligations and Transnational Corporations with Emphasis on Human Rights

Council Approach”, *Quarterly Journal of Comparative Law Studies*, University of Tehran Publication, Vol .9, No.2, pp.829-849. (In Persian).

30. Nori Yoshan loey, Jafar & Johar, Saeed (2015), “The Concept of Corporate Social Responsibility in Germany, France, Britain and Iran with Comparative Approach”, *Quarterly Journal of Comparative law studies*, University of Tehran, publication, vol. 5, No. 2. pp: 603-627 (In persion).
31. Viteri Gualinga, Carlos, (1999), “The Oil Flows, and the Forests Bleeds” translated by Davood Tabaie. *Journal of Payame Unesco*, Iranian National Commission for Unesco year 30, N. 347, pp: 12-13 (In Persian).

C) Documents and Cases

32. Communication From The Commission to The European Parliament, The Council, The European Economic And Social Committee And The Committee of The Regions, 2011.
33. Guiding Principle on Business and Human Rights: Implementing The United Nations, Protect, Respect, and Remedy Framework /A / HRC /17/31/2011.
34. International Law Association, Washington Conference Report: Legal Principles relating to Climate Change (2014).
35. International Law Commission, Draft Articles on Prevention of Transboundary Harm from Hazardous Activities, with Commentaries (2001).
36. International Court of Justice, (1986), Military and Para Military Activities in and Against Nicaragua (Nicaragua v. US), ICJ, Reports 1986.
37. International Court of Justice, (2010), Pulp Mills on The River Uruguay Case, (Argentina v. Uruguay), ICJ, Reports 2010..
38. Report of the Special Representative of the Secretary-General on the Issue of Human Rights and Transnational Corporations and Other Business Enterprises, John Ruggie, 7 April 2008, A/HRC/8/5
39. Report of the Special Representative of the Secretary-General on the Issue of Human Rights and Transnational Corporations and Other Business Enterprises, John Ruggie, 22 April 2009, A/HRC/11/13
40. Promotion of A Democratic and Equitable International Order, General Assembly, UN Doc. A/RES/66/159, 19 December 2011.
41. Stockholm Convention on Persistent Organic Pollutants (POPS), 2001, available at: < <http://chm.pops.int/TheConvention/Overview/TextoftheConvention/tabid/2232/Default.aspx> >.
42. Universal Declaration of Human Rights, UN Doc. A/RES/217(III) A, 10 December 1948.
43. UN Global Compact, 26 July 2000, available at: <https://www.unglobalcompact.org/what-is-gc/mission/principles> (last visited: 30/July/2019)
44. UN Human Rights Office of the High Commissioner, An Interpretive Guide, HR/PUB/12/02, 2012.